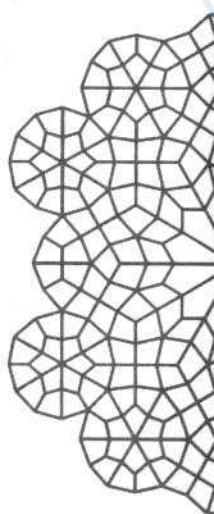
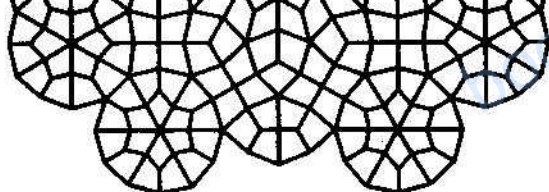


تصویر پرستش اعتقادی

سیدرضا طباطبایی





فهرست مطالب

مقدمه ۹/

۱. چرا خدا رو نمی بینیم؟ ۲۱
۲. خدا کیه؟ ۳۱
۳. خدا کجاست؟ ۴۵
۴. خدا از چه وقت بوده؟ ۵۵
۵. اندازه خدا چقدره؟ ۶۳
۶. پدر و مادر خدا کیه؟ ۶۹
۷. خونه خدا کجاست؟ ۷۵
۸. چرا خدا بعضی از حاجت هامون رو نمی ده؟ ۸۱
۹. خدا زنه یا مرده؟ ۸۹
۱۰. خدا غذا چی می خوره؟ ۹۵
۱۱. آیا خدا ما رو دوست داره؟ ۱۰۱
۱۲. خدا چه شکلیه؟ ۱۰۹
۱۳. توحید که از اصول دینه، یعنی چی؟ ۱۱۷
۱۴. بدن خدا مثل ماست؟ ۱۲۷
۱۵. مگه خدا تو آسمونه؟ ۱۳۳
۱۶. هدف خدا از آفریدن ما چی بود؟ ۱۳۹
۱۷. چرا باید از خدا بترسیم؟ ۱۴۷
۱۸. چرا خدا مادر بزرگ رو خوب نمی کنه؟ ۱۵۳
۱۹. چرا خدا، بابا بزرگ رو از مون گرفت؟ ۱۵۹
۲۰. اگه غاز نخونیم، چی می شه؟ ۱۶۷

۲۱. چرا خداوند بعضی ها رو ناقص الخلقه به دنیا میاره؟ ... ۱۷۵
۲۲. چرا خدا بعضی ها رو به جهنم می بره؟ ... ۱۸۵
۲۳. من دوست ندارم پیر بشم! ... ۱۹۱
۲۴. وقتی می میریم، کجا می ریم؟ ... ۱۹۹
۲۵. چرا خدا شیطان رو آفرید؟ ... ۲۰۵

کتاب نامه / ۲۱۵

بی‌تردید، زندگی خوبی که بتواند سعادت آدمی را تضمین کند، جز در پرتو «علم و دانش» و خروج از «جهل و شبهه» امکان‌پذیر نیست. تربیت نیز که از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل زندگی بشری است، در سایه «تعلیم صحیح» تحقق می‌پذیرد.

اهمیت علم و دانش در شکل‌گیری شخصیت آدمی بر هیچ فرهیخته‌ای پوشیده نیست، تا آن‌جا که عارف رومی در دفتر دوم مثنوی می‌گوید:

جان نباشد جز خبر در آزمون
هر که را افزون خبر جانفش فزون
جان ما از جان حیوان بیش‌تر
از چه؟ زان رو که فزون دارد خبر

مهم‌ترین مرحله برای امر خطیر تربیت، خردسالی است. حضرت امیر^ع به همین نکته اشاره دارد، آن‌جا که به امام حسن^ع می‌فرماید: «دل کودک، چون زمینی خالی است که هر بذری در آن پاشیده شود، می‌پذیرد؛ پس من پیش از آنکه قلبت سخت و فکرت به امور دیگر مشغول شود، به ادب و تربیت تو مبادرت ورزیدم.»^۱

کاملاً روشن است که هرگاه بتوانیم فرزندان امروز را خوب تربیت کنیم، در آینده نه چندان دور، شاهد جامعه‌ای بالنده خواهیم بود. هم چنین بهترین زمان برای پذیرش تعلیم و تربیت، زمانی است که «احساس نیاز» شکل بگیرد و به اصطلاح «درد» و یا «پرسش» در فرد یا جامعه مطرح شود.

البته نقش والدین را در شکل‌گیری این حس (حس نیاز)، نباید نادیده گرفت؛ مثلاً همان‌گونه که دیدن برخی از فیلم‌ها باعث بلوغ زودرس عاطفی و جنسی در نوجوانان می‌شود، می‌توان با طرح مطالبی درباره خدا و اعتقادات، در شکل‌گیری احساس دینی دخیل بود. هیچ اصراری نیست که کودک به شنیدن این مطالب ملزم شود؛ همین که کودک در محفلی حضور داشته باشد و یا در جایی همراه ما (هرچند مشغول بازی) باشد و چنان مطالبی را بشنود، تأثیر خواهد پذیرفت.

باید توجه داشت که بخش عمده‌ای از بسترهای تربیت‌پذیری فرزندان، در خود والدین، آن هم قبل از ازدواج شکل می‌گیرد. اسلام عزیز، معتقد است که دختر و پسر به چند دلیل باید قبل از ازدواج، خود را در عرصه باور و شخصیت تقویت کرده و به اصطلاح، خودسازی کنند؛ از جمله اینکه لایق همسر خوبی شوند؛ با همسر خوب می‌توان فرزند خوب تربیت کرد. ازدواجشان به لحاظ شرعی نیز از صحت کامل بهره‌مند باشد. هم چنین پس از اینکه صاحب فرزند شدند، بتوانند به پرسش‌های فرزندشان (به‌ویژه درباره خدا) پاسخ صحیح دهند.

اسلام، انتخاب همسر باایمان و نیز لقمه حلال را از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری صحیح شخصیت فرزندان می‌داند؛ رعایت اخلاق را نیز عاملی مهم در این زمینه برمی‌شمارد. ظرافت آموزه‌های اسلامی در این موضوع مهم را می‌توان از آداب طرح‌شده در تربیت فرزند، از جمله در شیوه تعامل والدین و دستورات غذایی و رفتاری آنان -پیش

از آمیزش، به هنگام آن و پس از آن - دریافت.

در هر صورت، از آن جا که بشر تشنه کمالات است، همین که قدرت بیان پیدا می‌کند، از خواسته‌ها و نیازهایش سخن به میان می‌آورد؛ همان خواسته‌ها و نیازهایی که اگر مورد التفات و توجه قرار گیرند، بسیار تعیین‌کننده خواهند بود.

در منابع اسلامی آمده است: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ وَإِنَّمَا أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَيَنْصَرَانِهِ وَيُمَجْسَانِهِ»؛ هر کودکی که به دنیا می‌آید، با فطرت و سرشت پاک توحیدی و تشنه خدا متولد می‌شود تا اینکه پدر و مادرش، او را (در اثر بی‌توجهی و تربیت نادرست) به راه غلط (شرک) سوق می‌دهند.

خانم دکتر آیریس یاب، در مقدمه کتاب کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا می‌گوید: «مهم‌ترین پیام این کتاب به والدین این است: هرگز نسبت به علاقه و کنجکاوی فرزندان درباره خدا بی‌تفاوت نباشید. این راهی برای سخن گفتن درباره مهم‌ترین مسائل زندگی اوست. باشد که از این طریق، بتوانید ایمان، امید و مفهومی متعالی را به کودکانتان هدیه کنید.»^۱

به هر حال، هنگامی که «حتش نیاز» در کودک شکل می‌گیرد، آن را در قالب «پرسش» و «خواهش» ابراز می‌کند. در این جا والدین و بزرگ‌ترهای موفق و موقعیت‌شناس، بالاترین توفیق و بهره را در تربیت و تعلیم فرزندان خود کسب می‌کنند. پاسخ‌هایی که به پرسش‌های فرزندان داده می‌شود، باید مطابق نیاز و متناسب با ظرفیت آن‌ها (با در نظر گرفتن ذهن و معلومات آن‌ها) و ساده و جذاب باشد.

این کتاب به پرسش‌های توحیدی کودکان و نوجوانان نظر دارد و با بهره‌گیری از تقسیم‌بندی «پیاژه»، پاسخ‌های لازم، با توجه به «سطح

۱. الفقیه، ج ۲، ص ۵۰. [در کتاب نامه نیامده]

۲. کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ص ۸.

ذهنی» و بدون توجه به سنّ فرزند، دست کم در سه سطح آورده شده است تا مربیان با شناختی که از فرزند دارند، پاسخ مناسب را در نظر بگیرند؛ چه بسا کودک پنج ساله ای که ذهنی قوی و پویا دارد و چه بسا فرزندی ده ساله که فقط پاسخ سطح اول را برمی تابد!

این تفاوت در قوت تحلیل، صرف نظر از ظرفیت های خدادادی (که گاهی یک کودک نسبت به هم سن های خود، بسیار باهوش تر است)، معلول رشد طبیعی، تجارب محیطی، آموزه های رایج اجتماعی و تعادل است.^۱

با توجه به اینکه ابزار شناخت در کودک سطح اول، با محسوسات گره خورده، کودک به یاری حواس و رفتارهای حرکتی به اکتشاف محیط می پردازد. سعی شده پاسخ ها در این سطح، تا حد امکان ملموس و عینی باشند؛ یعنی همراه با نمونه عینی ای که باعث تقریب ذهن کودک شود.

در سطح دوم، مطالب تا حدودی ذهن های پویا تر و نیمه استدلالی را در نظر گرفته است و از معلومات رایج استفاده می شود.

در سطح سوم و بالاتر، پاسخ ها علمی ترند و استدلال محور؛ ضمن اینکه در کنار استدلال ها در برخی موارد، بیانات بزرگان نیز ذکر می شود.

بر اساس معارف دینی و تجربه روان شناسان، نخستین پرسش های کودکان درباره خداوند، عبارت است از: «خدا کجاست؟»، «چرا خدا را نمی بینیم؟»، «خدا چه می خورد؟»، «خدا چه شکلی است؟» و پرسش هایی از این دست.^۲

بدانیم که:

• پرسش، برای هر کسی ایجاد نمی شود؛ کسانی که ذهن پویا و آزاد

۱. رک: روانشناسی رشد دکتر پیازه، ص ۱۵۲.

۲. کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ص ۸.

دارند، پرسش می‌کنند.

- پرسش، پلکان رسیدن به شناخت و باور است.
 - پرسش، معرف هویت و عمق وجود پرسش‌گراست.
 - پرسش، در شرایط فکری و روحی مختلف (مطابق نیازها)، اشکال گوناگونی به خود می‌گیرد که اگر به پاسخ برسد، عامل رشد، وگرنه سبب ابهام و سردرگمی است.
 - گاهی پرسش درباره موضوعی، فقط یک بار در ایام خردسالی مطرح می‌شود؛ پس غفلت نکنیم.
 - اگر پرسش با تشویق بزرگ‌ترها همراه شود، راه را برای پرسش‌های بعدی و در نتیجه، رشد و شکوفایی بیش‌تر فرزندان فراهم می‌سازد.
 - پرسش، بهترین معزف و نشانه تربیت‌پذیری است.
- فراموش نکنیم که بالاترین تکلیف پدر و مادر، تربیت فرزندان صالح است و حساسیت آموزه‌ها درباره فرزندان (حتی در اوان تولد آن‌ها) آن قدر زیاد است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «در بدو تولد نوزاد، نغمه توحید با گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد زمزمه شود.»^۱ و در روایتی دیگر فرمودند: «*الْعِلْمُ فِي الصَّبْرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ*»؛^۲ آموزه‌هایی که در کودکی به فرزندان‌تان می‌دهید، مانند کنده‌کاری و حکاکی در سنگ، (ماندگار) است.
- به یاد داشته باشیم که نباید کودکانمان را (به خصوص در سطح ذهنی اول) با مفاهیم تلخ و قهرآمیز درباره خدا آشنا کنیم؛ مثلاً از جهنم و غضب خدا برایش سخن نگوییم. و اگر پرسید، به گونه‌ای لطیف و واقع‌گرایانه پاسخ دهیم.
- پس بدانیم که:

۱. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۳۸.

۲. کنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۱۹.

- پرسش، مقدس است و باید کودکان و پرسش‌هایشان را جدی بگیریم.
- کودکان، مانند نوار خامی هستند که از هر گونه اطلاعات، رفتار، فرهنگ و برخورد، الگوبرداری و آن را سرمایه حیات می‌کنند.
- کودکان، اقیانوس‌های زلالی هستند که رودهای تعالیم پدر و مادر، آب‌های پاک را هم چنان زلال و یا خدای نخواستہ دچار آلودگی و تباہی می‌سازد.
- کودکان، این امانت‌های الهی، بازبان بی‌زبانی و بانگ‌های معصومان، آرامش، سعادت و کمال را از بزرگ‌ترها طلب می‌کنند.
- بنابراین، تربیت کودکان و توجه به آن، وظیفه‌ای حساس و سرنوشت‌ساز است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ»؛ به فرزندان‌تان احترام کنید و با آداب و روش پسندیده، آن‌ها را تربیت کنید. حضرت امیر علیه السلام نیز می‌فرماید: «خَيْرُ مَا وَرَّثَ الْآبَاءُ الْإِبْنَاءَ الْآدَبُ»؛ بهترین چیزی که والدین برای فرزندان به میراث می‌گذارند، ادب است.
- نکاتی قابل توجه:
- می‌توان با ابزارها و شیوه‌های تربیتی و روانی، به پرسش‌های فرزندان جهت داد و این کار برای جلوگیری از پراکندگی پرسش‌ها، بسیار مفید است.
- باید بدانیم که سرنوشت فرد، بالاترین وابستگی و ارتباط را با باورها و عقاید او دارد. در کلامی زیبا و مشهور، چنین آمده است: «سرنوشت انسان‌ها، مرهون شخصیت آن‌هاست و شخصیت آن‌ها، برگرفته از باورها، گفتار و رفتار آن‌هاست.»

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۷؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۲۳.

۲. غرر الحکم، ص ۴۰۸.

• از آن جا که در ادیان آسمانی، اصل اصیلی که هویت انسان را تشکیل می دهد، همانا شناخت سرچشمه هستی است، بنابراین باید به پرسش های مربوط به «خدا»، اهمیت وافر داد و پاسخ را با دقت و مطابق واقعیت بیان کرد.

• نکته بسیار مهم در باب خداشناسی، این است که بررسی مخلوقات خدا و فهم زیبایی ها و عظمت های نهفته در خلقت آن ها، بهترین راه دریافت حقیقت و شناختی واقع گرایانه از خالق هستی است.^۱

در حقیقت، برداشت آدمی از وقایع و موجودات، عامل تشکیل چهره طراح هستی برای اوست. آدمی پس از دیدن یک واقعه به ظاهر ناعادلانه، اگر حکمت موجود در آن را بفهمد، چهره طراح این نظام را زیبا، و در غیر این صورت، زشت می بیند، چراکه قضاوت ناشیانه و ناآگاهانه باعث شناختی غلط از خداوند می شود. ما نیز به همین جهت، در این کتاب با رویکرد طرح شبهات رایج کودکان و نوجوانان، بیش تر به وقایع سؤال برانگیز پرداخته ایم.

• همگان (حتی کودکان) بر اساس فطرت الهی و «از درون خود» با خداوند آشنایی دارند؛ پس پاسخی که خلاف واقع باشد، باعث نوعی سلب اعتماد در کودکان می شود.

• باید توجه داشت که وجود ابهام و جهل درباره ذات خداوند، یک «حقیقت زیبا و ماندگار» است و نباید باعث نگرانی شود، چراکه شناخت خداوند به طور کامل، برای هیچ کس، حتی برای پیامبران، مقدور نیست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: «مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ»؛^۲ نشناختیم تو را آن گونه که تو سزاوار آنی. یا در مراسم شب های

۱. رک: بقره: ۴۶۱؛ آل عمران: ۱۹۰؛ ۱۹۱.

۲. ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۰۹.

احیای می خوانیم: «... فَلَا أَحَدَ اعْرِفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ»؛ ... هیچ کس تو را از خودت بهتر نمی شناسد.

بر لب کوثرم ای دوست، ولی تشنه لبم
در کنار منی از شوق تو در تاب و تبم^۱

از این رو، در پاسخ فرزندان، تکرار این مطلب که «خداوند مثل ما و مثل هیچ چیز نیست»، در کنار ابهامی که ایجاد می کند، راه را برای دریافت معارف، هموار می سازد. شیخ محمود شبستری نیز به این نکته اشاره کرده است:

هر آنچه گفته اند از او کم و بیش
نشانی داده اند از دیده خویش
منزه ذاتش از چند و چه و چون
تعالی شأنه عما یقولون^۲

• ممکن است بعضی از کلمات و مطالبی که در متن کتاب به کار رفته، برای فرزندان، قابل فهم نباشد. این تکلیف مربیان است که کلمات و مطالب را مطابق فهم کودکان بیان کنند و برایشان توضیح دهند.

• همان طور که می دانید، شیوه صحبت کردن با کودکان، در دریافت معانی مؤثر است؛ بنابراین نحوه پرسش و پاسخ های این کتاب، به ویژه در سطوح اول و دوم، بر اساس لحن و گفت و گوی کودکانه بیان شده است تا سهولت ارتباط بیانی با کودکان نیز لحاظ شده باشد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «مَنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ صَبَا»^۳؛ کسی که کودکی دارد، باید

۱. مغایع الجنان، اعمال شب قدر.

۲. دیوان امام خمینی، ص ۳۰۶.

۳. گلشن راز، ص ۲۰.

۴. الکافی، ج ۶، ص ۴۹.

(در راه تربیت او) کودکانه رفتار کند.

سپاس

پروردگار مَنان را سپاس؛ و تشکر بی انتها از حجت خدا در میان خلق، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه؛ و تقدیر از پدر و مادر آسمانی ام که مقدمات سیر در مسیر تعلیم معارف حقّه دین مبین اسلام را فراهم ساختند و دعای خیرشان همیشه و همه جا بدرقه راهم بود و یارم؛ و با سپاس از خانواده صبور و بزرگوارم که در مشکلات گوناگون، دوشادوش من حرکت کردند و اسباب آرامش و توفیقم را فراهم آوردند. هم چنین با امتنان بی دریغ از همراهی و معاونت مجموعه خواهران و برادرانی که در بازنگری کتاب همکاری داشتند؛ و تقدیر از دست اندرکاران انتشارات کتاب جمکران که با کرامتی جمیل، از کتاب حاضر، استقبال کردند و مراحل نشر آن را بر عهده گرفتند.

رمضان المبارک ۱۴۳۳ قمری، گیسن آلمان

والحمد لله رب العالمین